

برجام و استمرار رویکردهای متعارض جمهوری اسلامی ایران و آمریکا

سید علی بنی هاشمی^۱

ماشاله حیدرپور^{۲*}

داود کیانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۴

چکیده

به دنبال مذاکرات صورت گرفته میان ایران و گروه ۵+۱ در راستای دستیابی به توافق هسته‌ای که از سوم آذر ۱۳۹۲ به طور رسمی آغاز شد و نهایتاً در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ منجر به توافق هسته‌ای میان ایران و ۱+۵ شد، تصور اولیه این بود که رویکردهای تقابلی میان ایران و طرفین توافق به خصوص آمریکا کاهش خواهد یافت. اما در ادامه شرایط به گونه‌ای پیش رفت که در بسیاری از حوزه‌ها نه تنها شاهد کاهش تنش میان ایران و آمریکا نبوده‌ایم بلکه شاهد افزایش تنش در سایر حوزه‌ها میان دو کشور بوده‌ایم. در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد با بررسی راهبرد تقابلی آمریکا در برابر ایران، رویکرد ایران در برابر راهبرد تقابلی آمریکا پس از برجام مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. بر اساس هدف پژوهش حاضر پرسش اصلی مقاله این است که؛ رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از توافق هسته‌ای در خصوص راهبرد تهاجمی و تقابلی آمریکا چگونه قابل تحلیل و ارزیابی می‌باشد؟ فرضیه پژوهش به دنبال مطالعه و بررسی واقعیت‌های مسلم این‌گونه تنظیم شده است که؛ رویکرد سیاست خارجی ایران پس از توافق هسته‌ای در برابر راهبرد تهاجمی و تقابلی آمریکا در قالب بازدارندگی بر مبنای مولفه‌هایی نظیر گسترش روابط با کشورهای همسایه، تقویت محور مقاومت در راستای کاهش هزینه و افزایش منافع ملی ایران قابل تحلیل و ارزیابی می‌باشد. شیوه گردآوری منابع در مقاله حاضر کتابخانه‌ای بوده و از روش توصیفی تحلیلی برای بررسی، تجزیه و تحلیل مطالب استفاده شده است.

واژگان کلیدی: ایران، آمریکا، برجام، تحریم، بازدارندگی

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار گروه روابط بین الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

نویسنده مسئول: mashallahheidarpour@gmail.com

۳. دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

پس از مذاکرات و رایزنی‌های طولانی برای حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران، طرفین مذاکرات، برنامه جامع اقدام مشترک را تصویب کردند. پس از تصویب برجام، مسائل اساسی و مهم عبارت بودند از اینکه طرفین مذاکرات در دوره برجام چه استراتژی‌هایی را اتخاذ می‌کنند، توافق و تعهدات، چگونه و تا چه میزان عملیاتی می‌شوند و در نهایت، تحقق یا عدم تحقق آنها چه پیامدهایی خواهد داشت. همواره ایران یکی از مهم‌ترین موضوعات در سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌شود. جغرافیای سیاسی، فرهنگی و جغرافیای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه جذابیت ویژه‌ای برای ایالات متحده آمریکا ایجاد کرده است و طی چهل و چهار سال اخیر، چهار رویکرد مختلف درباره ایران به کار گرفته شده است، که می‌توان به اختصار به رویکرد سازش، رویکرد جنگ با ایران، رویکرد تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران و نهایتاً رویکرد پذیرش ایران به عنوان قدرت هسته‌ای جهانی و اتخاذ بازدارندگی در مقابل آن اشاره کرد. از طرفی جمهوری اسلامی ایران نیز بعد از توافق‌نامه برجام بر موضوعاتی با اهمیتی همچون رفع تحریم‌ها، بحث و بررسی خروج آمریکا از برجام، ایجاد سازوکار برای حفظ تبادلات تجاری با اتحادیه اروپا، حفظ و نگهداری توان موشکی جمهوری اسلامی ایران و بررسی اقدام مالی (FATF) متمرکز شد، که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، آینده برجام و گفتگوهای بین تهران و واشینگتن را تغییر داد. خروج دولت وی از توافق برجام را می‌توان نقطه عطفی در عملکرد سیاست خارجی دولت ترامپ در برابر ایران دانست. وی در طول تبلیغات انتخاباتی، بارها برجام را توافقی وحشتناک خوانده و سرانجام در ۸ می ۲۰۱۸ با امضای فرمان اجرایی اعمال مجدد تحریم‌های هسته‌ای ایران را تأیید نمود. نهاد اوفک در ۵ نوامبر، روز بازگشت تحریم‌ها، در یک روز، بیش از ۷۰۰ موجودیت ایرانی را در فهرست تحریم قرار داد. این اقدام سبب شد تنش‌ها وارد فاز جدیدی شود و راهبرد فشار حداکثری در دستور کار دولت ترامپ قرار گرفت. در نتیجه این تحولات موضوع ایران به مهم‌ترین چالش سیاست خارجی دولت ترامپ تبدیل گردید. در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به اقدامات صورت گرفته در حوزه‌های سیاسی - دیپلماتیک، ژئوپولیتیک



و کارزار روانی- رسانه‌ای و کاربرد استراتژی رول‌بک در توجیه سیاست دولت ترامپ در برابر ایران مفید واقع شد. بی‌گمان شاید گزاف نباشد چنانچه ادعا شود ایران، اصلی‌ترین دغدغه سیاست خارجی دولت آمریکا بوده و سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا نیز کاملاً بر محور موضوع تهدید ایران استوار بود. در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا سال ۲۰۱۷ نام ایران ۱۷ بار تکرار شده است؛ در نگاه دولت ترامپ ایران تهدیدی به مراتب بزرگتر از روسیه، چین و گروه‌های تروریستی چون داعش و القاعده محسوب شده است. طی این مدت، دولت آمریکا ضمن گره‌زدن تمام مشکلات و چالش‌های موجود در منطقه خاورمیانه به ایران، تلاش نموده است تا از هر فرصت سیاسی و دیپلماتیک بهره‌جسته تا یک اجماع جهانی بر ضد ایران شکل دهد.

گام دیگر در راستای کاهش و قطع نفوذ ایران در منطقه، تحدید ژئوپولیتیک نفوذ ایران بود. از آنجایی که ایران در یک دهه اخیر موفقیت‌های قابل‌توجهی در کشورهای منطقه به‌ویژه عراق، لبنان، سوریه، یمن به دست آورده است؛ بنابراین، فشار بر متحدان و گروه‌های نزدیک به ایران به طرق گوناگون در دستور کار قرار گرفت. در همین راستا، اعمال فشار اقتصادی و مانع‌سازی در برابر اقدامات و اهداف ایران در حال پیگیری و انجام می‌باشد. به کارگیری ابزارهای مالی- اقتصادی با هدف اعمال فشار بر اقتصاد ایران بخش دیگری از سیاست ترامپ در برابر ایران بود. پس از خروج یک‌جانبه دولت ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای، تحریم‌ها طی دو نوبت ۹۰ و ۱۸۰ روزه مجدداً بر علیه ایران اعمال شدند. در طول این دوره در اقدامی بی‌سابقه علاوه بر تحریم مالی- اقتصادی رهبر انقلاب اسلامی، منصوبان رهبری و وزیر خارجه ایران نیز در فهرست تحریم قرار داده شد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به عنوان سازمان تروریستی اعلام گردید.

جمهوری اسلامی ایران نیز در قبال سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در مورد مسائلی مانند: تحریم، گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، توان دفاعی موشکی و حقوق بشر سعی نمود، سیاست‌های متقابلی را از خود نشان دهد و به سمت سایر کشورهای جهان حرکت نماید؛ در همین راستا، سندهای همکاری مختلفی (مانند برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین) را امضاء نمود، همچنین وارد سازمان همکاری



شانگهای شد. جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های خود در خصوص منطقه و نظام بین‌الملل به سمت کشورهای همسایه تمایل پیدا کرد و همچنین درصدد افزایش توان قدرت سیاسی، امنیتی و نظامی محور مقاومت برای دستیابی به اهداف کلان خود در سیاست خارجی‌اش برآمد.

۱. چارچوب تئوریک: نظریه بازدارندگی

بازدارندگی یکی از موضوعات روابط بین‌الملل می‌باشد که در هر دو حوزه استراتژی و دیپلماسی کاربرد دارد. بازدارندگی عبارت است از اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات که برای پیشی‌جستن از اقدامات خصمانه دشمن که صورت می‌پذیرد. تئوری بازدارندگی یعنی کوشش یکی برای اعمال نفوذ در دیگری تا او را از اقدام به عملی که متضمن خسارت یا هزینه‌ای برای اولی است، باز دارد (ام‌الیوت و رجینالد، ۱۳۸۷: ۳۷۰).

نظریه بازدارندگی به طور ناگهانی ظهور نکرد، بلکه به تدریج و با طی مراحل تکامل یافته است. بازدارندگی یکی از مباحث مطرح در رئالیسم است که دست‌کم در طول نیم قرن گذشته با تعریف جدید تکیه بر سلاح‌های غیرمتعارف، توانسته تعیین‌کننده عرصه روابط بین‌الملل باشد (رحمانی، ۱۳۷۰: ۷۶)، این دیدگاه با تأکید بر اصالت قدرت در روابط انسان‌ها، مسلح بودن را عامل آرامش و برقراری صلح می‌داند. در طول دورانی که ایالات متحده آمریکا، سلاح اتمی را در انحصار خود داشت، هیچ نظریه استراتژیک منظمی در مورد بازدارندگی وجود نداشت، قبل از آن به پیشنهاد جورج کنان اندیشمند روابط بین‌الملل، سیاست تحدید یا سدنفوذ پدید آمد، در واقع، کنان نه بر ابزارهای سدنفوذ تأکید و نه آنها را رد می‌کرد، بلکه اعتقاد داشت که این ابزارها در کنار اهرم‌های سیاسی و اقتصادی موجود، بخشی از ابزارهای دیپلماتیک را تشکیل می‌دهد (نقیب‌زاده، ۱۳۶۹: ۱۳۱-۱۵۵).

۱-۱. ویژگی‌های نظریه بازدارندگی

نظریه بازدارندگی دارای ویژگی‌هایی از قبیل قابلیت، اعتبار، ثبات و ارتباط می‌باشد. که در ادامه به شرح هر یک از این ویژگی‌ها پرداخته می‌شود:

۱. **قابلیت:** این ویژگی به جنبه توانایی دولت‌ها در نظریه بازدارندگی مربوط

می‌شود. یعنی توانایی وارد آوردن ضربه به مهاجم احتمالی به وسیله تجهیزات

متعارف و غیرمتعارف. نیروی بازدارنده به جز مواردی که بلوف می‌زند، باید قادر باشد در صورت لزوم مجازات متناسب را برای طرف مهاجم به مرحله عمل درآورد (امیدوارنیا، ۱۳۸۱: ۴۴).

۲. **اعتبار:** یعنی قبول واقعیت داشتن توانمندی و اراده لازم برای کاربرد آن، جهت بازداشتن مهاجم از تهاجم؛ به عبارتی بازدارندگی زمانی موثر است که توانایی کافی برای پاسخ به تهدید، وجود داشته باشد (امیدوارنیا، ۱۳۸۱: ۴۵).

۳. **ثبات:** اگر برخورد به اندازه کافی شدید باشد، طرف‌های منازعه نه تنها باید بتوانند تصمیم به اجرای تهدید را به یکدیگر بفهمانند، بلکه باید رهبران دشمن را در مورد نیت خود، تحت تأثیر قرار دهند؛ یک نظام بازدارندگی موثر صرفاً به داشتن نیروی نظامی قدرتمند نیاز ندارد، بلکه یک قدرت بازدارندهی موثر علاوه بر معتبر بودن، باید با ثبات هم باشد (امیدوارنیا، ۱۳۸۱: ۴۶). با این حال، بازدارندگی متقابل باثبات چیزی نیست که بتوان یک بار و برای همیشه به آن‌ها دست یافت. بروز تحولات جدید در حوزه‌های دفاع در برابر موشک‌های بالستیک، موشک‌های چندکلاهکی و برخی دیگر از حوزه‌های مهم تکنولوژی پیشرفته نظامی، نویسندگان را وادار ساخت تا طی دهه ۱۹۶۰ میلادی در مورد احتمال بی‌ثباتی مجدد وضعیت استراتژیک بین‌المللی، ابراز نگرانی کنند (کانیز، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

۴. **ارتباط:** در نظریه بازدارندگی، جلوگیری از برخورد میان طرفین، به تبادل نظر صریح و ضمنی طرفین بستگی دارد. بنابراین لازم است دولت‌ها از طریق انتشار اعلامیه رسمی، ارسال پیام و اعلام برنامه‌های خود، نیت واقعی خود را در این زمینه آشکار کنند. بازدارندگی هنگامی مؤثر است که نیروی بازدارنده منظور خود را صریح و شفاف به اطلاع طرف مقابل برساند و معین کند در صورت مورد حمله قرار گرفتن دقیقاً چه عواقبی در انتظار مهاجم خواهد بود (ازغندی، ۱۳۷۴: ۲۳۱).



۲-۱. عناصر نظریه بازدارندگی

نویسندگان و نظریه‌پردازان مختلف برای بازدارندگی عناصری را طرح کرده‌اند که با جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف در خصوص بازدارندگی، در این بخش به شش عنصر مشترک در میان این نظریات اشاره می‌شود:

۱. **شرایط عینی:** تکنولوژی تسلیحاتی نوین دائماً دستخوش تحولی پویاست، این امر از مسئله فنی میزان آسیب‌پذیری، یا آسیب‌ناپذیری سلاح‌های هسته‌ای حکایت می‌کند. برای تامین توان بازدارندگی، داشتن میزانی از توانایی‌های نظامی و تکنولوژیک لازم است و بدون آن، رسیدن به مرحله بعدی، که اثرگذاری در ذهن و باور طرف مقابل است، میسر نخواهد بود (لطفیان، ۱۳۷۶: ۲۱۴).
۲. **شرایط ذهنی:** مقصود این است که محیط روانی طرفین بازدارندگی از نظر راهبردی، بسیار با اهمیت است، به عبارت دیگر، از نظر ذهنی کشور الف باید آمادگی عملی ساختن تهدید را داشته باشد و کشور ب نیز از نظر ذهنی اقتناع شود که در صورت در پیش نگرفتن سیاست‌های همگرا با کشور الف، مورد حمله قرار خواهد گرفت (لطفیان، ۱۳۷۶: ۲۱۸).
۳. **شرایط خاص:** شرایط خاص ناظر بر ویژگی‌های خاص هر کشور است، به طوری که هر تهدیدی علیه هر کشور، نتیجه مشخصی را به بار نخواهد آورد، یعنی اینکه ممکن است کشوری در مقابل تهدیدهای سطح پایین‌تر نیز تسلیم شود درحالی که کشوری دیگر، در مقابل تهدیدات بسیار شدیدتر نیز سر تسلیم فرود نیاورد (دوثرتی، ۱۳۷۲: ۸۵).
۴. **مبادله اطلاعات:** برای حصول بازدارندگی، اطلاعات مربوط به شرایط عینی و ذهنی طرفین باید مبادله شود تا سطح آگاهی آن‌ها افزایش یابد (اشرفی‌ریزی، ۱۳۶۸: ۶۷).
۵. **عدم توسل به زور:** براساس محاسبه عقلانی، حتی با وجود تهدید به اعمال زور، جنگی بین طرفین صورت نخواهد گرفت و صرفاً انجام تهدید، برای تامین هدف کارساز خواهد بود (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۸۹).

۶. عقلانیت طرفین: مفهوم بازدارندگی بر این عقیده متمرکز می‌باشد که طرفین محاسبات خود را به صورت عقلانی انجام می‌دهند، بدیهی است که عقل در مقایسه با منافع به دست آمده، هزینه‌های گزاف را نمی‌پذیرد (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۹۱). هنری کیسینجر درباره عقلانیت طرفین در بازدارندگی بر این اعتقاد است: هر چند بازدارندگی سیاست مسلط نظامی است، اما بیشتر از هر چیز وابسته به ملاک‌های روانی می‌باشد. در این سیاست، سعی می‌شود تا تصور خطرهای تحمل‌ناپذیر، طرف مخالف را از ارتکاب به عمل باز دارد. پیروزی این سیاست بستگی به آگاهی کامل از محاسبات طرف مخالف نسبت به حیل‌های که جدی گرفته شود، دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۰: ۵۱-۷۸).

۲. برنامه جامع اقدام مشترک^۱ (برجام).

مذاکرات هسته‌ای بین ایران و غرب در سال ۲۰۰۳ آغاز شد. در آن زمان سه کشور انگلستان و فرانسه و آلمان، پیشنهاد ارائه شده از سوی کشورمان را بررسی کردند و نهایتاً طی سال ۲۰۰۶ میلادی، با پیوستن روسیه، آمریکا و چین، گروه ۵+۱ تشکیل شد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۱). مذاکرات نسبتاً طولانی مدت میان ایران و شش قدرت جهانی برای دستیابی طرفین به توافقی مشترک، همزمان با توافق موقت ژنو در نوامبر ۲۰۱۳ آغاز شد. ایران و گروه ۵+۱ از یک توافق اولیه خبر می‌دادند، که به طور موقت برنامه هسته‌ای ایران را محدود و برخی از داریی‌های این کشور را آزاد می‌کرد. این توافق، زمینه را برای ادامه مذاکرات به منظور دستیابی به یک توافقنامه هسته‌ای جامع هموار نمود (رستمی، ۱۳۹۵: ۱۸۹). در ژوئیه سال ۲۰۱۵ میلادی، پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد به همراه آلمان به توافقی تاریخی با ایران برای کنترل و نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران دست یافتند. در ازای کنترل و نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران، مقرر شده بود، بسیاری از تحریم‌های وضع شده علیه ایران برداشته شود. برجام سبب از بین رفتن تحریم و زمینه را برای ورود کشورهای هدف و سرمایه‌گذاران خارجی و در نهایت جذب میلیاردها دلار پول را برای ایران فراهم می‌کرد. بر اساس سند رسمی برجام که از سوی وزارت امور خارجه ایران منتشر شد: ایران اجازه داشت تا

^۱ Joint Comprehensive Plan of Action



در راستای ملاحظات علمی و اقتصادی یک برنامه هسته‌ای بومی و منحصراً صلح‌آمیز را با هدف اعتمادسازی، مطابق برجام پیش برد تا همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه ترغیب گردد. در این زمینه محدودیت‌های اولیه‌ای که به صورت دوجانبه تعریف و در سند برجام توصیف گردیده است، تکامل تدریجی برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران از جمله فعالیت‌هایی مانند غنی‌سازی با هدف یک برنامه تجاری به منظور مقاصد منحصراً صلح‌آمیز و همسو با هنجارهای عدم‌اشاعه بین‌المللی را با یک سرعت معقول به دنبال داشت.

اجرای برجام به تدریج به گروه ۵+۱ اجازه می‌داد در مورد ماهیت منحصراً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران اعتماد کسب کنند. برجام منعکس‌کننده مولفه‌های دوجانبه تعریف شده‌ای است که با نیازهای عملی و حدود توافق شده بر سر محدوده برنامه هسته‌ای ایران از جمله فعالیت‌های غنی‌سازی و تحقیق و توسعه، سازگار بود. برجام از طریق اقدامات جامعی که شفافیت و راستی‌آزمایی را فراهم می‌نمود، نگرانی‌های گروه ۵+۱ را مد نظر قرار می‌داد. برجام منجر به لغو جامع همه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین تحریم‌های چندجانبه و ملی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران می‌شد و اقداماتی را برای دسترسی به تجارت، فناوری، تامین مالی و انرژی را شامل می‌نمود. بررسی رفتار و عملکرد سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد که ایران بعد از توافق هسته‌ای در ازای چشم‌پوشی از برخی ابعاد کلیدی برنامه هسته‌ای، به سمت جبران این محدودیت‌ها در دو زمینه امنیتی و هویتی حرکت می‌کند. در زمینه هویتی، بعد از توافق هسته‌ای، موازی با تأکید بر مسائلی مانند پیشرفت، خودباوری و استقلال علمی، شاهد ادامه اصرار بر تحقیق و توسعه هسته‌ای بودیم. در حوزه امنیتی نیز، از افزایش قابل توجه بودجه دفاعی گرفته تا گسترش دامنه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی، اقدام‌های امنیتی، سرعت گرفتن برنامه موشکی و همچنین برخی رویکردهای امنیتی بی‌سابقه مانند اجازه استفاده از پایگاه نظامی هوایی نوژه به روسیه یا حضور نظامی چندجانبه در خارج از مرزها، نشان‌دهنده جدی بودن حرکت ایران به سمت سیاست‌های جبرانی بود (نیاکویی، ۱۳۹۶: ۲۱۹).

۳. رویکرد ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران

ایران یکی از مهم‌ترین موضوعات در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. جغرافیای سیاسی، جغرافیای فرهنگی و جغرافیای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، حساسیت ویژه‌ای برای این منطقه ایجاد کرده است. با نگاهی به مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و حتی طرح‌ها و لوایح مورد بررسی و یا تصویب شده در دولت و کنگره آمریکا دلایل و مصادیق بر اهمیت جایگاه ایران در سیاست خارجی آمریکا اثبات می‌گردد. در مناظره‌های انتخاباتی چه درون‌حزبی و چه مناظره‌های نامزدهای دو حزب، در زمینه سیاست خارجی سوالی درباره ایران پرسیده می‌شود و لازم است که آن نامزد ریاست جمهوری دیدگاه خود درباره چگونگی تعامل با ایران را تبیین کند. لابی ضدایرانی در آمریکا در هر سه سطح دولت آمریکا، کنگره و افکار عمومی فعال است. این لابی با مراکز مطالعاتی و اتاق‌های فکر آمریکا ارتباط نزدیکی دارند و از طریق اندیشکده‌ها در همه سیاست‌های ضدایرانی آمریکا از تحریم‌ها گرفته تا مذاکرات نقش مهمی دارند. با مطالعه نمونه‌هایی از تدابیر اتخاذ شده توسط آمریکا علیه ایران، منشأ آن را می‌توان در اتاق‌های فکری دید که با لابی ضدایرانی در ارتباط هستند. لابی ضدایرانی نیز از دو لابی عبری و عربی در آمریکا تغذیه می‌شود. البته سیاست‌های اندیشکده‌های امریکایی را نمی‌توان به طور کلی در یک مسیر تصور کرد. برخی از آنها در پی متقاعد کردن افکار عمومی و دولت آمریکا برای برقراری رابطه با ایران بودند. یک دسته دیگر از اتاق‌های فکر بر این باورند که باید محدودیت‌های بیشتری علیه ایران اعمال شود و گروه سوم نیز به ضرورت رویارویی و مقابله با ایران معتقدند. (پوستین‌چی، ۱۳۹۳: ۱۹-۳۵) با توجه به اهمیت ایران در سیاست خارجی آمریکا، اتاق‌های فکر با گرایش‌های مختلف سیاسی سعی می‌کنند رهیافت‌های نظری و راهبردهای متفاوتی درباره نحوه برخورد و یا تعامل با ایران ارائه دهند.

در چهل و چهار سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چهار رویکرد مختلف درباره ایران در مراکز تحقیقاتی و اندیشکده‌های امریکایی قابل تشخیص است:

۱. رویکرد سازش که بیشتر اتاق‌های فکر با گرایش لیبرال و پیش‌رو آن را تقویت می‌کنند. اندیشکده وودرو ویلسون و مرکز نیکسون در این طیف قرار می‌گیرد.

۲. رویکرد جنگ با ایران که در اتاق‌های فکر دارای گرایش‌های محافظه‌کارانه و تحت تأثیر لابی اسرائیل دنبال می‌شود.
۳. رویکرد تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران، تعدادی از اندیشکده‌ها این رویکرد را دنبال می‌کنند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها اشاره کرد.
۴. رویکرد پذیرش ایران به عنوان قدرت هسته‌ای جهانی و اتخاذ بازدارندگی در مقابل آن که تعدادی از اندیشکده‌های امریکایی طرفدار این رویکرد هستند.

۱-۳. رویکرد سازش

این رویکرد را بیشتر اتاق‌های فکر با گرایش لیبرال و پیش‌رو تقویت می‌کنند. اندیشکده وودرو ویلسون و مرکز نیکسون در این طیف قرار می‌گیرد. از نظر آنها، مداخله امریکا با هدف براندازی و تغییر رژیم در ایران می‌تواند احساسات بیگانه‌ستیزانه در ایران را تقویت کرده و انسجام ملی را افزایش دهد. این انسجام می‌تواند دولت ایران را توانمند کند.

بر این اساس اگر امریکا خواهان روابط با تهران است، باید با دولت حاکم در ایران به توافق برسد. این طیف از سیاست گفتگوهای دولت-دولت حمایت می‌کنند و براین باور هستند که برقراری گفتگو با ایران به نفع امریکا است و در بلندمدت می‌تواند منافع واشینگتن به‌ویژه در زمینه ژئوپلیتیک را برآورده کند. اوباما، در دوره ریاست جمهوری خود از این رویکرد پیروی می‌کرد و به اندیشکده‌هایی که این رویکرد را دنبال می‌کردند، نقش بیشتری در سیاست خارجی می‌داد. در مقاله‌ای که مرکز نیکسون منتشر کرد، آمده است: اگر ایرانیان خواهان سود بردن از روابط جدید هستند، باید رفتارشان را تغییر بدهند. به اعتقاد این افراد، تغییر در مسیر سیاست‌های ایران، زمانی به دست خواهد آمد که روابط دوجانبه بر مبنای منافع مشترک و نه نقاط تضاد استوار باشد (مرکز نیلسون، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۲).

همچنین آرون دیوید میلر و ریچارد اسکولسکی، از محققان مرکز مطالعاتی وودرو ویلسون، در مقاله‌ای با عنوان حرکت به جلو در قبال ایران، سیاستی برای دولت بعدی امریکا در مجله فارین افرز، رویکرد سازش با ایران را در چارچوب منافع امریکا می‌داند.

از نظر این دو، ایران مورد مناسبی برای مذاکره است، اما اختلافات داخلی بیم کاخ سفید و کنگره انعطاف‌پذیری لازم در مذاکرات را به چالش کشیده است. از نظر میلر، رویکرد استفاده از قدرت در مقابل ایران، غیرعاقلانه، نابخردانه و غیرضروری است و واشینگتن باید بر منافع حیاتی آمریکا متمرکز و همکاری با ایران باید در خدمت منافع آمریکا باشد (Miller & Sokolsky, 2016). طرفداران این رویکرد معتقدند، ایران در بلند مدت می‌تواند به یک دولت معتدل تبدیل شود و به همکاری در منطقه بپردازد. از نظر آنها، بحث هسته‌ای، پیچیده‌ترین و چالشی‌ترین موضوع در روابط دوجانبه میان آمریکا و ایران است و سایر مشکلات نظیر تروریسم، تحریم‌ها و حقوق بشر مسائلی است که رهبران دو طرف می‌توانند به یک دولت میانه‌رو تبدیل شوند. برخی از اتاق‌های فکر خواهان حل و فصل حوزه‌های تنش میان آمریکا و ایران در قالب بسته‌های پیشنهادی تشویقی هستند و در آن به صورت همزمان، چهار مساله حقوق بشر، فعالیت‌های ایران در منطقه غرب آسیا، فرایند صلح خاورمیانه و خلع سلاح ایران را از طریق مذاکرات دیپلماتیک پیگیری کنند. جورج پرکویچ، محقق برجسته اتاق فکر کارنگی در مقاله‌ای با عنوان تغییر منافع هسته‌ای ایران نوشت، آمریکا برای ایجاد تغییرات مثبت در ایران باید بپذیرد که سیاست واشینگتن در قبال تهران کاری از پیش نبرده و خواستار ارائه مشوق‌های مختلف به جمهوری اسلامی ایران شده است (کریمی‌فرد، ۱۳۹۵: ۷۲).

۲-۳. جنگ با ایران

رویکرد جنگ با ایران در اتاق‌های فکری که دارای گرایش‌های محافظه‌کارانه و تحت تأثیر لابی اسرائیل هستند، دنبال می‌شود. در این طیف لابی ضدایرانی به شدت فعالیت می‌کند تا ایران را خطرناک‌ترین دشمن آمریکا معرفی کند. براساس راهبردهای پیشنهاد شده از سوی این گروه از اتاق‌های فکر، تهدید ایران، واقعی و فوری است و آمریکا در صورت لزوم باید برای حمله هوایی به مراکز اقتصادی و از بین بردن تاسیسات هسته‌ای ایران اقدام کند (Ozcan & Ozdamar, 2009).

در این رویکرد، سه سناریو متصور است:

۱. اشغال کامل ایران در یک جنگ فراگیر و همه جانبه،
۲. حمله هوایی به تاسیسات و زیرساخت‌های هسته‌ای ایران،



۳. به راه انداختن یک جنگ نیابتی توسط اسرائیل و یا عربستان علیه ایران. اتاق‌های فکر طرفدار جنگ با ایران معتقد به اقدام برای یک حمله پیش‌دستانه و غافلگیرانه هستند. این حمله می‌تواند به تاسیسات هسته‌ای محدود باشد و یا برای اطمینان خاطر از ناتوانی ایران برای اقدام تلافی‌جویانه، همه زیرساخت‌های نظامی ایران را در بر بگیرد. مرکز سیاست‌های امنیتی، اندیشکده سیاست خارجی دانشگاه هاپکینز، تحقیقات سیاست خارجی، هریتیج، موسسه هادسون، پژوهشکده ارزیابی و تحلیل سیاست خارجی و یهود در امور امنیت ملی از حامیان رویکرد اقدام نظامی علیه ایران در یک حمله پیش‌دستانه هستند. اما برخی دیگر از اندیشکده‌ها نیز از گزینه جنگ نیابتی حمایت می‌کنند که با چراغ سبز امریکا آغاز خواهد شد. اندیشکده کاتو از مخالفان سرسخت ایده حمله نظامی به ایران است (امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۵).

تد گالن کارپنتر در مقاله‌ای با عنوان یک حمله نظامی محدود علیه ایران، یک ایده بسیار بد نوشت: حمله احتمالی به ایران، سه نتیجه بد خواهد داشت که جنگ‌طلبان کنگره به آن توجه نمی‌کنند؛ قدرت ایران از قدرت زمان صدام حسین در هنگام حمله امریکا به عراق به مراتب بیشتر است و نمی‌توان ایران را یک قدرت ضعیف تصور کرد. احتمال اقدام تلافی‌جویانه ایران در حمله به متحدان امریکا در منطقه خاورمیانه و امریکایی‌های مستقر در پایگاه‌های نظامی این منطقه وجود دارد. بی‌ثبات کردن ایران و تلاش برای تغییر رژیم در ایران منجر به یک ناآرامی وسیع در منطقه غرب آسیا خواهد شد که ابعادی بسیار بزرگ‌تر و فاجعه‌بارتر از افغانستان و عراق خواهد داشت (Galen Carpenter, 2015).

۳-۳. رویکرد تغییر رژیم ایران

تعدادی از اندیشکده‌ها، رویکرد تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران را با دو مدل متفاوت تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران از طریق جنگ و تغییر مسالمت‌آمیز رژیم جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کنند.

الف- تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران از طریق جنگ

در اندیشکده بروکینگز، کنت پولاک، به‌طور تخصصی به موضوع ایران می‌پردازد. مقاله او با عنوان معمای پارسی: درگیری بین ایران و امریکا، خواستار حمله پیش‌دستانه به

ایران است. از نظر او حمله نظامی به ایران، برنامه هسته‌ای ایران را تا چهار سال به عقب بازخواهد گرداند، البته ممکن است منجر به اقدام تلافی‌جویانه ایران شود. او سیاست تدی روزولت در مقابل ایران را می‌پسندد و نقل قولی از او را تکرار می‌کند که می‌گوید: من ترجیح می‌دهم که آمریکا با آرامش سخن بگوید و همچنان یک چماق بزرگ را با خود حمل کند (Pollack, 2005: 48).

ب- تغییر مسالمت‌آمیز رژیم جمهوری اسلامی ایران

اندیشکده کمیته خطر فعلی، از طرفداران رویکرد تغییر مسالمت‌آمیز رژیم در ایران و برقراری مجدد رابطه با مردم این کشور و ایجاد کانال‌های ارتباطی برای تحریک مخالفان نظام است. دقیق‌ترین رویکرد این اندیشکده در سال ۲۰۰۶ در مقاله‌ای با عنوان موضع سی پی دی درباره ایران آمده بود که در آن استدلال می‌کرد، آمریکا باید از طریق تاکتیک‌های متنوع از جمله حمایت از مخالفان و افزایش تحریم‌هایی که رهبران ایران را مستقیماً هدف قرار می‌دهد، به تغییر رژیم در ایران اقدام کند و در این مسیر نباید مردم ایران صدمه ببینند.

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، از دیگر اندیشکده‌های فعال در زمینه سیاست‌های ضدایرانی است. ولید فارس از مهم‌ترین نویسندگان ضدایرانی این اندیشکده است. مارک دوپوویتز، یکی از نومحافظه‌کاران تندرو، ریاست بخش ایران این موسسه را برعهده دارد و به او معمار تحریم‌ها علیه ایران گفته می‌شود. استفاده از رسانه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی و اینترنت برای زیر سؤال بردن مشروعیت نظام سیاسی و کاهش اعتماد مردم به ساختار سیاسی در این رویکرد تبیین می‌شود. اکثر اندیشکده‌های امریکایی این رویکرد را دنبال می‌کنند.

بنیاد هریتیج، در کنار ترویج جنگ پیش‌دستانه علیه ایران تغییر رژیم در ایران از درون را با جدیت دنبال می‌کند. در این اندیشکده، هرگونه اعتراضی توسط مردم ایران با دقت رصد می‌شود. در این رویکرد تلاش برای تحریم نفتی ایران به منظور تحریک مردم به دلیل فشارهای اقتصادی تبیین می‌شود. اندیشکده هریتیج در ماه ژوئیه ۲۰۰۷، میزبان نشستی با عنوان چالش‌های ایران برای امنیت هسته‌ای و انرژی بود که در آن کنت کاتزمن، متخصص در امور خاورمیانه در بخش تحقیقات کنگره و گری میلهولین، مدیر

اجرائی دیده‌بان ایران برای اولین بار مسأله تحریم صادرات نفت ایران را مطرح کردند (کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۷۴).

۳-۴. رویکرد پذیرش و بازدارندگی

تعدادی از اندیشکده‌های امریکایی طرفدار این رویکرد خواستار پذیرش ایران به عنوان قدرت هسته‌ای جهانی و اتخاذ بازدارندگی در مقابل آن هستند. موسسه کاتو، کارنگی، کمیته خطر فعلی، مرکز پیشرفت امریکا، موسسه بروکینگز، شورای ملی ایرانیان امریکا، مرکز مطالعات و امنیت بین‌المللی و پروژه سیاست خارجی امریکا این رویکرد را دنبال می‌کنند. مرکز مطالعات و امنیت بین‌المللی CSIS این رویکرد را دنبال می‌کند. کاتلین هیکس در مارس ۲۰۱۷ در مقاله‌ای برای این اندیشکده با عنوان بعد از توافق هسته‌ای، اکنون زمان بازدارندگی و مهار ایران است، خواستار مهار ایران در منطقه از طریق کاهش توان دفاعی این کشور به ویژه برنامه‌های موشکی آن شد (Hicks & Dalton, 2017: 44). طرفداران رویکرد بازدارندگی، معتقدند در جایی که دیگر رویکردهای سازش، جنگ و تغییر از درون جواب نمی‌دهد، بازدارندگی به صورت طبیعی آخرین شانس و در سیاست آخرین گزینه برای انتخاب است. این رویکرد بیشتر در محور برنامه هسته‌ای ایران ظهور و بروز پیدا کرد و طرفداران آن معتقدند که باید یک ایران هسته‌ای را پذیرفت و به جای مقابله با آن درصدد بازدارندگی آن برآمد. موضوع تحریم‌ها از گزینه‌های راهبردی این رویکرد است. اعتقاد طرفداران این رویکرد بر این است که با تحریم‌های تدریجی در قالب تحریم‌های سازمان ملل متحد و تحریم‌های شورای اروپا و... می‌توان به تدریج ایران را به انزوا کشاند و در عین حال تصویر یک بازیگر منحل امنیت بین‌الملل را از ایران در جهان ارائه کرد که این خود زمینه را برای اقدامات احتمالی بعدی علیه ایران فراهم می‌کند (اقارب پرست، ۱۳۸۴: ۹۶).

۴. راهبرد ایران بر اساس بسط‌محوری و حفظ‌محوری از منظر بازدارندگی

سیاست خارجی، اگر مبتنی بر اهداف معین و دست‌یافتنی، برنامه و نقشه راه محاسبه شده، متناسب با مقدرات و مقتضیات ملی و محیطی بوده، و نهایتاً بر مبنای یک استراتژی دقیق و مناسب، تنظیم و اجرا شود، طبعاً نتیجه بخش خواهد بود. یک بررسی فوری در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته،

وجود دو دیدگاه اصلی را در محیط ملی و محیط سازمانی آن، آشکار می‌کند. دیدگاه بسط‌محور که در یک کلام این رویکرد امنیت‌محور است و دیدگاه رشد‌محور که در یک کلام، این رویکرد، توسعه‌محور است.

۴-۱. دیدگاه بسط‌محور (رهیافت امنیتی)

یک دیدگاه، مبتنی بر اصول موضوع انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رسالت جهانی مبارزه با سلطه و استکبار، رویکرد ایدئولوژیک و امنیت‌محور را تقویت و تجویز کرده است. این دیدگاه، مساله حفظ نظام و بسط حوزه نفوذ آن را در امتداد مرزهای عقیدتی، ملاک سیاست خارجی می‌داند؛ این ملاک را نیز کانون تعریف فرصت‌ها و تهدیدات مترتب بر انقلاب و کشور، قرار می‌دهد. دیدگاه انقلابی و امنیت‌محور، محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران را تا مرز اهداف ایدئولوژیک مندرج در قانون اساسی، لحاظ می‌کند. این دیدگاه، افزایش قدرت مادی و معنوی نظام را، برای بسط توان موازنه‌ساز، در قبال نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر، در محیط امنیتی نظام، در رأس اولویت‌های ملی، قرار می‌دهد. حفظ توان موازنه‌ساز در حوزه نفوذ امنیتی، جوهره‌ای اصلی این رویکرد می‌باشد.

۴-۲. دیدگاه رشد‌محور (رهیافت ادغام در نظام بین‌الملل)

دیدگاه دیگر، نگاهی کلاسیک و قاعده‌مند، به سیاست خارجی دارد. این دیدگاه، در بنیان‌های ملی سیاست خارجی، به شدت رشد‌محور و واقع‌گرا است، اما در نگاه به محیط بین‌الملل، ایدالیست و در عین حال ساختارگرا است. این دیدگاه، نظام بین‌الملل را به عنوان امر واقع و همان‌گونه که هست، به رسمیت می‌شناسد. معتقد به تعامل تام، تا حد ادغام در نظام بین‌الملل در ابعاد سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی می‌باشد. آرمان‌های قانون اساسی، منافع و اهداف ایدئولوژیک و حتی موضوع استقلال ملی، در این دیدگاه، کم‌رنگ دیده می‌شود. این دیدگاه، در توسعه مناسبات سیاسی، تا حدود زیادی به اصالت اقدام قائل است. عامل محوری تداوم بقای کشور را، در شاخص‌های توسعه ملی می‌بیند. تحقق شاخص‌های توسعه ملی را در عرصه سیاست خارجی، ترکیب در مناسبات جهانی و منطقه‌ای، بر پایه مزیت‌های نسبی و مشارکت در تقسیم کار بین‌المللی می‌داند.

از این لحاظ، به نوعی لیبرالیسم در محیط روابط بین‌المللی، گرایش دارد. ادغام در نظام بین‌المللی، جوهر این رویکرد می‌باشد. (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۴)

۵. مصادیق و اقدامات مورد توجه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین موضوعاتی که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر آنها متمرکز بود، در سطح بین‌المللی دسته‌بندی می‌شوند. به علاوه موضوعاتی که در این سطح قرار گرفته‌اند، درگیر بیشترین تحول و فراز و فرود بوده‌اند، می‌توان به مواردی مانند: تحریم، گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، توان دفاعی موشکی و حقوق بشر اشاره نمود؛ که انتظار می‌رود همچنان از دستور کارهای اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشند.

۱-۵. تحریم

تحریم‌های اقتصادی را می‌توان به عنوان بخشی از سیاست محدودسازی ایالات متحده آمریکا علیه ایران دانست. مرحله پایانی تحریم‌های اقتصادی و راهبردی آمریکا در برابر ایران نیز به مرحله اجرا درآمد. نشانه چنین فرایندی را باید در محدودیت‌های جدید اعمال‌شده در حوزه سوئیفت مالی، کشتیرانی، بیمه، هوانوردی و همکاری‌های اقتصادی در حوزه صنعتی دانست. طبیعی است که چنین فرایندی آثار خود را در اقتصاد، سیاست و روابط خارجی ایران به جا گذاشت. هدف اصلی آمریکا این بوده که محدودیت‌های اقتصادی اعمال شده علیه ایران بتواند مدار جدیدی از مذاکرات دیپلماتیک ایجاد نماید تا از طریق آن دولت آمریکا بتواند توافق‌نامه جامع‌تری را با ایران امضا نماید و امیدوار است بتواند رفتار جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه را کنترل نماید (اندیشکده صدق، ۱۳۹۴). در پی توافق ایران با اعضای ۵+۱ در تاریخ ۲۳ تیر ماه ۱۳۹۴ و تصویب آن در شورای امنیت در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱، شش قطعنامه قبلی که علیه ایران صادر شده و منجر به تحریم‌هایی در رابطه با فناوری هسته‌ای ایران شده بود لغو گردید. اما با خروج ایالات متحده آمریکا در ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ از برجام، بازگشت تحریم‌ها به صورت یک‌جانبه اعلام شد. جمهوری اسلامی ایران در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ عدم تعهد خود را به رعایت محدودیت‌های مربوط به نگهداری ذخائر آب سنگین اعلام کرد و به کشورهای باقیمانده در برجام دو بار فرصت شصت روزه داد تا تعهدات خود را به ویژه در حوزه‌های بانکی و نفتی عملیاتی نمایند؛ و اعلام کرد چنانچه در این مهلت

کشورهای مزبور قادر نباشند تعهدات خود را اجرایی کنند در مرحله بعدی جمهوری اسلامی ایران کاهش تعهدات مربوط به سطح غنی‌سازی اورانیوم و رآکتور آب سنگین اراک را عملیاتی کرد. (دهشیری، ۱۳۹۹: ۱۶۵)

با عملیاتی شدن اعمال مجدد تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷، سایر طرف‌های برجام با محوریت اروپایی‌ها وعده‌ای ایجاد سازوکاری برای حفظ تبادلات تجاری با ایران با هدف حفظ توافق هسته‌ای را مطرح کردند. با اینکه اتحادیه اروپا محوریت ایجاد سازوکار معروف به INSTEX را بر عهده گرفته بود اما در ابتدا هیچ یک از کشورهای اروپایی حاضر نشدند تا میزبانی این سازوکار را برعهده گیرند. تا اینکه مقرر شد امورات مربوط به سازوکار ویژه به طور مشترک توسط سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان انجام شود. نهایتاً کشورهای اروپایی بهمن ماه سال ۱۳۹۷ سازوکار مالی را رسماً اعلام کردند. اما با توجه به اینکه این سازوکار امکان بازگشت ارز حاصل از صادرات ایران را فراهم نمی‌کرد و از طرفی دیگر قرار بود حداقل تا اواسط سال ۲۰۱۹ میلادی فقط برای تبادل کالاهای غیرتحریمی از سوی آمریکا مورد استفاده قرار گیرد، چندان افق روشنی را در برابر ایران برای خنثی‌سازی تحریم‌های ضدایرانی آمریکا قرار نداد.

۵-۲. گروه ویژه اقدام مالی (FATF)

گروه ویژه اقدام مالی (FATF) یکی دیگر از موضوعاتی بوده است که بخشی از سیاست خارجی و داخلی ایران را در سال ۱۳۹۷ به خود مشغول کرده بود. موضوع اجرای توصیه‌های مورد نظر این نهاد بین‌المللی از جمله پیوستن به برخی کنوانسیون‌ها مانند: کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) و کنوانسیون مبارزه با تروریسم (CFT)، تهدیدات و فرصت‌هایی که ایجاد می‌نمود، موجب شکل‌گیری نظرات مخالف و موافق در سطوح متعدد تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی شد. از طرف دیگر، برقراری ارتباط میان اجرای توصیه‌های FATF، خروج از لیست کشورهای غیرهمکار این نهاد و مقابله با تحریم‌های ضدایرانی آمریکا بر حساسیت موضوع افزود. مجمع عمومی FATF در اسفند ماه ۱۳۹۷، تا تیرماه سال ۱۳۹۸ به ایران فرصت داد تا توصیه‌ها مورد نظر را عملی سازد.



گروه ویژه اقدام مالی گرچه در ظاهر یک نهاد بین‌الدولی مستقل و غیرسیاسی است، اما در واقع تحت نفوذ و کنترل امریکا و ابزار مکمل رژیم تحریم‌های این کشور است. FATF تلاش دارد رفتار مالی کشورها و بانک‌های جهان را مطابق با خواسته امریکا نظام‌مند سازد، تا اشخاص و کشورهای مستقل و هدف را منزوی و تحت فشار بگذارد. توافق دولت ایران با FATF برای اجرای برنامه اقدام از جانب ایران از چند جهت محل ایراد است. فقدان منفعت مالی، ایجاد رژیم خودتحریمی در داخل کشور، فقدان شفافیت و تناظر زمانی تعهدات و فقدان تضمین برای لغو تحریم‌های FATF از مهم‌ترین نقایص این توافق است و برخی از مفاد آن نظیر الحاق به کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم می‌تواند موجب ایجاد رژیم جدید تحریم‌ها علیه ایران به بهانه حمایت از تروریسم در سازمان ملل شود (علوی، ۱۴۰۰: ۱۲۲).

۳-۵. توان دفاعی موشکی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتدار و توسعه توان دفاعی، افزایش توانمندی موشکی است؛ چون این نوع سلاح‌ها اساساً بازدارنده هستند و کشور دارنده آن می‌تواند از طریق تهدید به استفاده از آن، از بروز جنگ تا حد زیادی جلوگیری کند. این نوع از سلاح‌ها می‌توانند در زمانی کوتاه‌تر و با صرف هزینه‌های کمتری برای کشور ایران که از لحاظ فناوری‌های پیشرفته نظامی دچار محدودیت است، بازدارندگی بهتری ایجاد کنند (ارغوانی پیرسلامی، ۱۳۹۶: ۵۲).

تحركات کشورهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده امریکا برای تضعیف، محدودسازی و حذف توان دفاعی موشکی جمهوری اسلامی ایران موضوعی است که به موازات پیشرفت‌های دفاعی موشکی ایران برجسته‌تر می‌شود. سال ۱۳۹۷ ایالات متحده امریکا با خروج از برجام اعلام کرد که توافق هسته‌ای یک توافق ناقص است چرا که موضوعاتی مانند توان موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران را پوشش نمی‌دهد. اروپایی‌ها نیز اگرچه با خروج امریکا از برجام مخالف بودند، اما در موضوع محدودسازی توان موشکی ایران با امریکایی‌ها همراهی می‌کردند. با این تفاوت که کشورهای اروپایی معتقد هستند ضمن حفظ برجام باید ایران را برای مذاکره و توافق برای محدودسازی توان موشکی‌اش مجاب کرد. از دید امریکایی‌ها، امروزه ایران

بیشترین تعداد موشک‌های بالستیک را در منطقه خاورمیانه دارد که روزبه‌روز در حال توسعه آنهاست. این توانمندی موشکی از احتمال حمله علیه ایران جلوگیری کرده و حتی وسیله‌ای برای ارباب محسوب می‌شود (Kahn, 2015: 1).

انتظار می‌رود تحرکات کشورهای غربی برای محدودسازی توان موشکی ایران برجسته‌تر شود. مهم‌ترین ابزاری که احتمال دارد در این زمینه علیه ایران استفاده شود، شورای امنیت و رژیم‌هایی مانند کنترل تکنولوژی موشکی (MTCR) و یا حتی رژیم‌های عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای و رژیم منع تسلیحات شیمیایی است. از این رو به احتمال زیاد تلاش کشورهای غربی بر برقراری ارتباط میان موشک‌های بالستیک ایران و تسلیحات کشتار جمعی متمرکز خواهد بود. به‌ویژه اینکه قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت زمینه حقوقی لازم را برای برقراری این ارتباط فراهم کرده است. هدف نهایی کشورهای غربی قرار دادن موشک‌های ایران ذیل تسلیحات کشتار جمعی و تحمیل چارچوب رژیم‌های خلع سلاح و کنترل تسلیحات برای محدودسازی توان موشکی ایران است.

۴-۵. حقوق بشر

موضوع حقوق بشر در کنار دیگر موضوعات، یکی از ابزارهایی است که کشورهای غربی برای فشار بر ایران مورد استفاده قرار می‌دهند. در این زمینه نیز دو رویکرد برجسته‌تر بوده است؛ اول کنشگری منفرد کشورهای غربی و دوم کنشگری در قالب سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه مجمع عمومی و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌باشد. در سال ۱۴۰۱ نیز مانند سال‌های گذشته کشورهای غربی در هر دو زمینه علیه ایران تحرکاتی را داشته‌اند. تحریم‌های حقوق بشری ضدایرانی اتحادیه اروپا که از سال ۱۳۹۰ اعمال شده‌اند؛ به تحریم ۱۲۶ شخصیت و ۱۱ نهاد رسیده است (کیهان، ۱۴۰۱) از جمله شامل برخی وزرا، استانداران، چهره‌های سیاسی، قضات، دادستان‌ها، اعضای سپاه پاسداران، افسران ارشد پلیس و... می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل ساختارهای فرهنگی و مذهبی خود در رویارویی با ساختارها و سازوکارهای حقوق بشری دو راه پیش‌رو دارد: اول اینکه ایران با مدیریت وضعیت حقوق بشر در داخل کشور، اصول حقوق بشر داخل کشور را با ارزش‌ها و اصول جهان شمول حقوق بشر انطباق دهد؛ دوم اینکه جمهوری اسلامی ایران سیاستی

تقابلی با سازوکارهای حقوق بشر در سطح بین‌المللی در پیش بگیرد و از پذیرش اصول جهانی حقوق بشر امتناع ورزد. مسلماً راه دوم به دلیل هزینه‌های مشروعیتی و احتمال به کار گرفتن تحریم‌های مختلف از سوی مجامع بین‌المللی، راه منطقی به نظر نمی‌رسد؛ بنابراین تلاش جمهوری اسلامی ایران در راستای انطباق هر چه بیشتر قواعد حقوق بشر در داخل کشور با اصول جهانی حقوق بشر باشد (عباس‌زاده، ۱۳۹۷: ۷۰۶).

۶. راهبرد ایران در منطقه و سطح بین‌المللی

برجام باعث ارتقای جایگاه راهبردی ایران در نظام بین‌الملل شده است. این همان نکته‌ای است که سیاست‌مداران امریکا و رژیم صهیونیستی نیز نه تنها به آن اذعان می‌کنند، بلکه در عمل کوشیده‌اند از تبدیل تهدیدها به فرصت برای جمهوری اسلامی ایران در نتیجه اجرای برجام جلوگیری کنند. آنها به صراحت اعلام می‌کنند برجام دست ایران را برای قدرت‌نمایی و نفوذ بیشتر در منطقه باز کرد و این معنایی جز ارتقای جایگاه راهبردی ایران ندارد. در واقع هم‌چنان که بررسی تحلیل آثار پیامدهای برجام به صورت ایجابی نشان داد که انعقاد این توافق باعث افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران شده است، به صورت سلبی هم می‌توان گفت تلاش امریکا و صهیونیست‌ها برای فروپاشی آن و زیر فشار قراردادن شرکت‌های صنعتی و مالی برای جلوگیری از سرمایه‌گذاری در ایران یا بازگرداندن و تشدید تحریم‌های مالی و بانکی و... با هدف محدود کردن قدرت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران پس از برجام، تأییدی بر همین گزاره است. به عبارت دیگر هم‌چنان که وجود برجام باعث ارتقای جایگاه راهبردی ایران و اذعان دشمنان جمهوری اسلامی به آن شده است، تلاش برای از بین بردن آن نیز که با هدف محدود کردن قدرت و نفوذ ایران دنبال می‌شود معنایی جز تأیید گزاره مذکور ندارد و بنابراین برجام چه به حیات خود ادامه دهد چه از بین برود هم با بود هم با نبود آن می‌توان گفت تأثیرش بر جایگاه راهبردی ایران انکارناپذیر بوده است (خلیلی، ۱۳۹۸: ۱۳۰).

روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس، از پیچیدگی ویژه‌ای برخوردار است. از یک سو، روابط خوب اقتصادی میان برخی از کشورهای این منطقه، پیوندهای آنها را عمیق‌تر و مناسباتشان را تقویب کرده است و از سوی دیگر، تنش میان

این کشورها با ایران در چند دهه گذشته، با فراز و فرودهایی ادامه داشته است. روابط ایران با کشورهای جنوب خلیج فارس، متأثر از عوامل منطقه‌ای و مسائل مختلفی مانند: عراق، لبنان، جنگ ۳۳ روزه، حمله رژیم صهیونیستی به غزه، اوپک و سیاست‌های نفتی، روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی، حج، نقش شیعیان، بحران بحرین و وقایع سوریه، حضور گروه‌های تروریستی تکفیری، برنامه هسته‌ای ایران و مسائل برجام و خریدهای تسلیحاتی کشورهای منطقه و... بوده و واگرایی و بروز تنش‌هایی بر روابط آنها را فراهم آورده است. همچنین همه این کشورها از متحدان آمریکا در منطقه بوده و به دلیل تضاد در ساختار حکومتی خود با ایران و نگرانی از نفوذ ایران در منطقه، تهدیدی آشکار علیه ایران به شمار رفته و زمینه‌های واگرایی در روابط این کشورها با ایران همچنان وجود دارد (شاملو، ۱۴۰۰: ۷۱).

۱-۶. رویکرد منطقه‌ای ایران

جمهوری اسلامی ایران در مجموع با ۱۵ کشور دارای مرزهای خاکی و آبی است و به عبارت دیگر این کشورها همسایه ما به شمار می‌روند. هفت کشور پاکستان، افغانستان، ترکیه، عراق، ارمنستان، آذربایجان و ترکمنستان با جمهوری اسلامی ایران مرز خاکی دارند. همچنین کویت، قطر، امارات متحده عربی، بحرین، عمان، عربستان، روسیه و قزاقستان هشت کشوری که از طریق خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر با کشورمان همسایه هستند.

پس از امضای توافق‌نامه برجام، همکاری‌های ایران با کشورهای همسایه خود تقویت گردید. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که در سیاست‌هایشان دنباله‌رو ایالات متحده آمریکا هستند، درصدد احیا و گسترش روابط خود با ایران حرکت نمودند اما ایران در آن زمان مشغول توافق و همکاری با کشورهای اروپایی بود و متأسفانه از کشورهای همسایه خود غفلت نمود در صورتی که جمعیت کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران بیش از ۵۰۰ میلیون نفر است که فرصت تجاری مناسبی را برای همکاری‌های بیشتر تجاری-اقتصادی، فرهنگی و سیاسی فراهم نموده است.

با خروج یک طرفه آمریکا در سال ۱۳۹۷ از برجام، ایران به فکر جایگزینی راه‌های سیاسی برای ارتباط با سایر کشورهای جهان به‌خصوص همسایگان خود برآمد که یکی

از این راه‌ها گسترش روابط خود با همسایگان می‌باشد. توجه به کشورهای همسایه در دولت سیزدهم ایران نیز گسترش بیشتری پیدا نموده است؛ رئیس‌جمهور ایران در دیدار خود با معاون نخست‌وزیر جمهوری آذربایجان در سال ۱۴۰۱ مطرح کردند: «وجود روابط سازنده و بر پایه منافع متقابل میان ایران و کشورهای همسایه در منطقه، موثرترین عامل در حفظ و تقویت امنیت منطقه است». در همین راستا در دیدار سردار بردی محمداف رئیس‌جمهور ترکمنستان با رهبر انقلاب اسلامی ایشان عنوان نمودند: «سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران، گسترش روابط با کشورهای همسایه است و این، سیاستی کاملاً درست است» (بیانات، ۱۴۰۱/۰۳/۲۵).

۲-۶. حمایت ایران از محور مقاومت

محور مقاومت یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای و مرکب از مجموعه بازیگران دولتی (ایران، عراق و سوریه) و غیردولتی (حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین) است که دارای منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک می‌باشند؛ با توجه به این تعریف در مقابل این محور، ائتلافی از نظام‌های کهن اقتدارگرا، استکباری و پادشاهی قرار دارد که منافع آن در تضاد با محور مقاومت تعریف می‌شود؛ آنچه می‌توان برای جمهوری اسلامی ایران تهدید باشد، تهدیدات فرامنطقه‌ای است که عمدتاً آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند. موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران، آن را با مجموعه‌ای از تهدیدات و ملاحظات امنیتی مواجه کرده است (مهرابی، ۱۴۰۱: ۶۴).

بررسی راهبرد ایران در خصوص محور مقاومت نشان‌دهنده آن است که ایران در کنار راهبرد انباشت و تقویت توازن درونی قدرت، به توازن بیرونی اتحاد با سایر بازیگران نیز اقدام می‌نماید. اتحاد ایران و سوریه، حزب‌الله و سپس پیوستن حماس، جهاد اسلامی به آن سرآغاز گسترش محور گردید که در دهه اخیر متحدان شبه‌نظامی شیعی عراقی و انصارالله را به خود ملحق نموده است. با شدت یافتن بحران در سوریه، ایران به ائتلاف نزدیک‌تر با روسیه و چین نیز همکاری نمود تا از این طریق با تجمیع انباشت قدرت درونی خویش با قدرت سایر بازیگران به مقابله با تهدیدات پیش‌روی خود و کاهش آسیب‌پذیری‌های امنیت ملی اقدام نماید. هدف ایران از اعمال استراتژی‌های بازدارندگی همه‌جانبه، بازدارندگی نامتقارن، دفاع در عمق، ضددسترسی، نبرد نامتقارن و گسترش

عمق استراتژیک آن بوده است که نه تنها هزینه‌های انجام هرگونه اقدام نظامی علیه ایران را برای جبهه مقابل بسیار شدت بخشد، بلکه مانع از انجام اقدام دولت‌های متخاصم (مانند رژیم صهیونیستی و آمریکا) در وارد نمودن ضربه نخست به ایران گردد و حتی در صورت وارد شدن این ضربه با برخورداری از توان تحمل، قادر باشد ضربه دوم و اقدامات تلافی‌جویانه را به حریفان وارد نماید. از این روست که ماهیت اتحاد ایران با متحدانش در محور مقاومت غالباً دارای ماهیت تدافعی بوده و به منظور ایجاد بازدارندگی متقابل در مقابل تهدیدات مشترک و در راستای تأمین منافع مشترک است (باقری، ۱۴۰۰: ۸۷).

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی آمریکا، چکیده دیدگاه‌های اتاق‌های فکر آمریکا و لابی‌هایی است که آبشخور تصمیم‌سازان در کنگره و سیاستمداران این کشور هستند. صنعت ایران در آمریکا، یکی از پول‌سازترین صنایع در این کشور است و هر گروه یا شرکتی که به نوعی با مسئله ایران سر و کار داشته باشد، می‌تواند به راحتی به راهروهای کاخ سفید و اتاق‌های لابی در کنگره راه پیدا کند. لابی‌های بسیار حرفه‌ای، مراکز تحقیقاتی برجسته، شرکت‌های فیلم‌سازی مطرح و حتی ناشرین پرفروش به ایران به‌عنوان یک منبع پول‌ساز می‌نگرند. آمریکا با اقدامات و تحریک‌های غیرضروری مانند: تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران و برگرداندن بعضی از تحریم‌ها به قبل از زمان برجام به دنبال این است که ایران را یک کشور مخرب در منطقه به عنوان برهم زننده صلح و ثبات معرفی کند. ایران نیز نتوانسته در چارچوب برجام منافع خود در زمینه اقتصادی و روابط تجاری استفاده کند، ایران از چارچوب برجام به عنوان ابزاری برای ترغیب بیشتر شرکای اروپایی به تعهداتشان استفاده کرده است.

پس از امضای توافق‌نامه برجام در سال ۲۰۱۵ میلادی، در ایران و حتی سایر کشورهای جهان تصور می‌شد که دیگر مسئله هسته‌ای ایران به پایان رسیده است. به‌زعم آنها ایران از دست‌یابی به سلاح اتمی بازمانده است و جلوی اقدامات نظامی ایران گرفته شده و دیگر تهدیدی برای منطقه، جهان و متحدان ایالات متحده آمریکا به حساب نمی‌آید. در دوران پسابرجام ایران به دنبال دست‌یابی و توافق با سایر کشورها بود و درصدد جذب



سرمایه‌گذاران خارجی و امضای قراردادهای همکاری نیز با آنها بود؛ شرکت‌های سرمایه‌گذاری در ایران نیز حاضر شدند و حتی پروژه‌هایی را هم تعریف کردند اما، به‌سرعت و با روی کار آمدن ترامپ در سال ۲۰۱۶ میلادی تمام معادلات دچار تغییرات اساسی گردید. ترامپ که بارها از برج‌ام به عنوان بدترین توافق تاریخ امریکا نام برده بود، بالاخره در سال ۲۰۱۸ از این توافقنامه خارج شد و تحریم‌های یکجانبه را علیه ایران وضع نمود؛ همچنین از دیگر اقدامات او قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در میان گروه‌های تروریستی می‌باشد. در آن زمان که دولت دوازدهم ایران در پی توافق با سایر کشورها و احیای برجام بود و درگیر سازوکار ابزار حمایت از مبادلات تجاری (INSTEX) و گروه ویژه اقدام مالی (FATF) بود، در نهایت بدون دستیابی به نتیجه خاصی از این مذاکرات دل‌سرد شد و عملاً مذاکرات بدون نتیجه خاصی ادامه داشت. با شروع به کار دولت سیزدهم در ایران نگاه از برجام و کشورهای غربی به سمت سایر کشورهای جهان تغییر پیدا نمود؛ در نخستین اقدام، ایران به عضویت سازمان همکاری شانگهای درآمد و شاهد رفت‌وآمد دولت‌مردان ایران به کشورهای آسیای مرکزی بودیم. نگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به گسترش روابط با کشورهای همسایه و برقراری توافق در خصوص مسائل گوناگونی مانند مسائل سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بیشتری با آنها شده است.

حجم مبادلات اقتصادی با کشورهای همسایه به سرعت رو به افزایش بود به طوری که بر اساس آمارها، صادرات کالاهای ایرانی به ۱۵ کشور همسایه از ابتدای شهریورماه تا پایان بهمن‌ماه ۱۴۰۰ بیش از ۴۴ میلیون و ۵۲۹ هزار و ۱۸۵ تن به ارزش ۱۵ میلیارد و ۶۷ میلیون و ۲۴۴ هزار و ۶۲۵ دلار شد که رشد ۴۴ درصد در وزن و ۴۸ درصد در ارزش را ثبت کرد. در نتیجه سیاست توجه و همکاری با کشورهای همسایه تجارت ایران (صادرات و واردات) با همسایگان به بیش از ۱۰۰ میلیون تن کالا و در ارزش به ۵۱ میلیارد دلار رسید در حالی که کل حجم تجارت ایران و کشورهای اروپایی به یک میلیارد دلار هم نمی‌رسید. همچنین جمهوری اسلامی ایران حمایت‌های خود از محورمقاومت را افزایش داد. دیگر ایران اهتمام چندانی برای احیای برجام ندارد، البته مذاکرات بدون دستیابی به توافق میان ایران و سایر اعضای ۴+۱ ادامه پیدا می‌کند.

سیاست خارجی ایران دوباره به حالت تهاجمی درآمده است و از نگاه غرب به سمت شرق و کشورهای همسایه و محور مقاومت تغییر جهت داده است. همانگونه که اشاره شد ایران باید بتواند اجماع واحدی میان متحدان‌اش برای دستیابی به اهداف کلان خود در سیاست خارجی پیاده نماید.

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله (۱۳۹۴) کالبدشناسی مذاکره هسته ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره ۳۰، شهریور.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و پیرانخو، سحر (۱۳۹۶) تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال ۲۶، شماره ۸۳، تابستان.
- ازغندی، علیرضا و روشندل، جلیل (۱۳۷۴) مسائل نظامی و استراتژی معاصر، تهران: انتشارات سمت.
- اشرفی‌ریزی، حسن و کاظم‌پور، زهرا (۱۳۶۸) مفهوم جغرافیای سیاسی اطلاعات، تهران: نشر چاپار.
- اقارب پرست، محمدرضا (۱۳۸۴) گزارش کارشناسی تحلیلی و ارزیابی رویکرد مراکز پژوهشی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ام‌الیوت، جفری و رجینالد، رابرت (۱۳۷۸) فرهنگ اصطلاحات سیاسی و استراتژیک، ترجمه: میرحسین رئیس‌زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۹۳) نقش اتاق‌های فکر در تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره ۲۹.
- امیدوارنیا، محمدجواد (۱۳۸۱) امنیت در قرن بیست و یکم، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- اندیشکده صدق (۱۳۹۴) گزارش ناخوانده از سرانجام یک مسیر: ساختار و تأثیر تحریم‌ها در حوزه‌های نفتی، مالی و بانکی و پتروشیمی، تهران: انتشارات مجد اسلام.
- باقری، محسن و یزدانی، عنایت‌الله و امیدی، علی (۱۴۰۰) تأثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۰، شماره ۳۸، تابستان.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور ترکمنستان، ۱۴۰۱/۰۳/۲۵.
- پوستین‌چی، زهره، متقی، ابراهیم (۱۳۹۳) الگو و روند در سیاست خارجی ایران، قم: انتشارات دانشگاه مفید.

خلیلی، رضا و بابایی، محمد و لطفی حاج‌آباد، کاظم (۱۳۹۸) تأثیر برجام بر جایگاه راهبردی ایران در نظام بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۲، شماره ۸۴، تابستان.

دنیای اقتصاد (۱۳۹۴) تغییرات رویکرد سیاست خارجی ایران بعد از برجام، کدخبر: ۳۰۲۲۱۱۶.

دوثرتی، جیمز (۱۳۷۲) نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه: علیرضا طبیب و وحید بزرگی، جلد دوم، تهران: قومس.

دهشیری، محمدرضا و میرکاظمی، سیدمهدی (۱۳۹۹) سناریوهای پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در قبال برجام بعد از خروج ایالات متحده آمریکا، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان.

رحمانی، منصور (۱۳۷۰) جزوه درس تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، تهران: دانشکده وزارت امورخارجه.

رستمی، فرزاد و نادری، مسعود (۱۳۹۵) برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۲۷، تابستان.

شاملو، رضا (۱۴۰۰) معرفی عوامل ژئوپلیتیک طبیعی موثر بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خلیج فارس، فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، سال ۱۹، شماره ۷۳، بهار.

عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی و شجاعی، زهرا (۱۳۹۷) مقایسه عملکرد کمیسیون و شورای حقوق بشر در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۸، شماره سوم، پاییز.

عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۷۷) سیری در نظریه‌های بازدارندگی خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای، تهران: مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۵.

علوی، سیدیحیی و جودکی، محسن (۱۴۰۰) واکاوی نقش گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در کارآمدسازی تحریم‌های یکجانبه آمریکا (مورد مطالعه: ایران)، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۴، شماره ۵۰، بهار.

کالینز، جان (۱۳۸۰) استراتژی بزرگ اصول و رویه‌ها، ترجمه: کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

کریمی‌فرد، حسین و لب‌خنده، ابراهیم (۱۳۹۵) کارکرد موسسات مطالعاتی در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، بهار.

کیهان (۱۴۰۱) اتحادیه اروپا ۲۹ فرد و ۳ نهاد ایرانی را تحریم کرد، ۱۴۰۱/۰۸/۲۳، کدخبر: ۲۵۳۶۲۵.

لطفیان، محمود (۱۳۷۶) استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه.

مرکز نیکسون (۱۳۸۳) ایالات متحده و ایران: معمای هسته‌ای، تهران: ابرار معاصر تهران.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۰) طرح دفاع ملی موشکی امریکا، فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، تابستان.

مهرابی، حسین (۱۴۰۱) تأثیر عوامل ژئوپلیتیک نظامی کشورهای محور مقاومت بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران، سال ششم، شماره سوم، پاییز.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۶۹) تحولات روابط بین‌الملل، تهران: قومس.

نیاکویی، سیدامیر و قنادی، علی (۱۳۹۶) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از برجام: تداوم موازنه‌سازی و هویت‌یابی انقلابی، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ششم، شماره ۲۱، تابستان.

- Galen Carpenter, Ted (2015). A Really Bad Idea: A 'Limited' War with Iran. <https://www.cato.org/commentary/really-bad-idea-limited-war-iran>
- Hicks Kathleen & Melissa Dalton (2017). Deterring Iran after the Nuclear Deal. <https://rowman.com/ISBN/9781442279940/Deterring-Iran-after-the-Nuclear-Deal>
- Kahn, Tzvi. (2015), "FPI Bulletin: Iran's Ballistic Missile Program Mirrors Nuclear Pursuit", Foreign Policy, (observed: 22,12,2015), at: <http://www.foreignpolicyi.org/content/fpi-bulletin-iran%E2%80%99s-ballistic-missile-program-mirrors-nuclear-pursuit>
- Miller Aron David; Sokolsky Richard (2016). Moving Forward on Iran, A Policy for the Next U.S. Administration. <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2016-11-07/moving-forward-iran>
- Ozcan Nihat Ali; Ozdamar Ozgur (2009). Iran's Nuclear Program and the Future of U.S.- Iranian Relations. <http://mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/irans-nuclear-program-and-future-us-iranian-relations?prin>